

# آهنگ جدید مهرداد با شعر ژاله اصفهانی



مهرداد بدیع

ولی این روزها او بیشتر «کی بورد» می‌نوازد. فعالیت‌های هنری مهرداد و همکارانش در دوران اقتدار رژیم کمونیستی در شوروی سابق چندان آشکار نبود اما نوار آهنگ‌های گروه آرسنال بین جوانان مسکو دست به دست می‌گشت.

مهرداد در سال ۱۹۸۰ کارهای هنری خود را به لندن منتقل کرد و در این شهر به کار پرداخت.

در سال ۱۹۸۰ او برای نخستین بار با خوانندگان بزرگ ایران هایدو و ویگن در رستوران راسپوتین برنامه اجرا کرد. گروه فانتزیا از نوازندگان سازهای سنتی و کلاسیک تشکیل شده که تار، ویلن، دودوک (از سازهای قدیمی ارمنستان) جاز، پیانو و کی بورد می‌نوازند.

مهرداد قرار است سه شنبه ۱۹ مارس در برنامه نوروزی رستوران one لندن هنرنمایی کند.

مهرداد خواننده هنرمندی که جامعه ایرانی مقیم انگلستان او را خوب می‌شناسند اخیراً CD جدیدی به بازار فرستاده که دهها آهنگ به زبانهای گوناگون در آن ضبط شده است.

در این CD مهرداد به زبانهای فارسی، انگلیسی، عربی، ارمنی، روسی، اسپانیایی و یونانی می‌خواند و «کی بورد» می‌نوازد. چند آهنگ قدیمی ایرانی مثل «برگیسویت ای جان کمتر زن شانه» از شادروان پوران و «داغی عشق قدیم» از گوگوش به زیبایی بازسازی شده است.

مهرداد CD دیگری در دست تهیه دارد که شامل آهنگهای اختصاصی خود اوست. آهنگهای این CD بطور زنده در استودیو اجرا می‌شود. یکی از آهنگهای این آلبوم بر روی شعری از ژاله اصفهانی شاعر معروف و مادر مهرداد تنظیم شده است. عنوان این شعر پرترفدار «شاد بودن هنراست شاد کردن هنری بالاتر» است.

پروین کاکس سوپرانو و خواننده آهنگهای محلی ایران در تنظیم این آلبوم به مهرداد یاری داده است.

مهرداد سرپرست یک گروه موسیقی به نام «فانتزیا» است. او همراه فانتزیا در داخل و خارج بریتانیا کنسرت می‌دهد و در مراسم مختلف ایرانیها برنامه اجرا می‌کند.

مهرداد بدیع در مسکو به دنیا آمده و همانجا به دبستان و دبیرستان رفته و دوره نوازندگی و خوانندگی را نیز در مدرسه موسیقی مسکو گذرانده است. او پیش از مهاجرت به انگلستان، در یک گروه موسیقی به نام آرسنال پیانو می‌نواخت. پیانو، ساز اصلی مهرداد است



# روح زن

## ژاله اصفهانی

رها نمی شوم از سرنوشت ناهنجار؟  
همیشه سایه و دیوار؟

آمال سحره  
۱۹۷ صفحه ۵

و من که روح رهایی  
و من که روح زنم  
ز نور و نغمه

ز شعر و شکوفه جان و تنم.

نخواستم که بیفتم ز پا، نیفتادم  
اگر چه بودم و بودم همواره در آوار  
اگر چه دیدم و دیدم هزارها آزار  
و سنگسار

چه وحشیانه، چه دهشتناک!

زمان فتح رهایی است

ز هیچ سنگی و سدی دگر ندارم باک  
که سیل سد شکنم  
و در مسیر جهان،  
جاری همواره من ام  
که مادرم  
که زنم.